

عبدالحی حبیبی افغانی - کراچی

مجمع الغرایب و مطالب خواندنی آن

معبد نوبهار و مزارعلوی و دیگر ابنیه تاریخی بلخ

در این روزها کتابی خطی زیر نظر نویسنده است ، که مجمع الغرایب نام دارد ، این کتاب اگر چه نسخه منحصراً بفرد نیست ، ولی نادر است . تاجاییکه بمن معلوم است دو نسخه خطی آن در کتب خانه دانشگاه تاشکند به نمره (۹۰۳ - ۱۲۳) موجود است (۱) .

باین نام دو کتاب را تا کنون می شناسم ، یکی مجمع الغرایب دوست محمد یادگار است که در دانشگاه لنین گراده نمره (۵۵۶) محفوظ است (۲) و از خصایص آن خبری ندارم . دوم همین کتاب موجود ما نحن فیه است . که مؤلف آن سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی نام دارد و بنام پیر محمدخان یادشاه بلخ (۹۶۳ - ۹۷۴ هـ) اهدا شده . نسخه زیر نظر خیلی بدخط است و اوراق آخر آن فرسوده و ریخته ، و بنابراین تاریخ نوشتن آنرا نمی توان تعیین کرد ، ولی از رسم الخط و سیاق و سباق آن پیداست که بعد از سال هزارم هجری نوشته شده باشد . مؤلف کتاب سلطان محمد (ولی بقرار یک نسخه تاشکند محمد سلطان) از دودمان مفتیان بلخ بوده که پدرش نیز به دوبرار شاهان راهی داشته و در حدود (۹۳۴ هـ) در بلخ بدربار کستن فرا (بقرار تصریح سیدراقم بخاری در تاریخ کثیره یکی از دوازده فرزند جانی بیگ سلطان) محشور بود (۳) .

سلطان محمد بقول خودش هنگامیکه از بلخ عزیمت کابل داشت روز سه شنبه ۱۴ ربیع الاول ۹۳۵ هـ در بامیان توقف کرده و بتان معروف آنجا را دیده بود (۴) و چنین بنظر می آید که وی مرد درباری و پاسواد کتاب خوانی بود ، و بمطالعه کتب مسالک و اخبار و تاریخ و عجایب دنیا و ملی داشت و بعد از مطالعه و فراهم آوری کتب ، مجموعه ای را بنام (مجمع الغرایب) بین سال ۹۶۳ و ۹۷۴ هـ نگاشت که کتابیست جغرافی و تاریخی و باوجودیکه بسی از اخبار موهوم و عجایب غیرطبیعی که ابدأ در دوره های تاریخ وجود نداشته و در کتب عجایب البلدان مذکوراند ، در این کتاب نیز نوشته شده ، ولی در خلال آن برخی از مطالب مفید و جدی که ماهیت تاریخی دارد نیز بدست می آید که کتاب ما را اهمیتی بسزا می بخشد .

مفتی کتاب خود را معمولاً به حمد و نعت آغاز کرده و گوید ، « چون این فقیر بی بضاعت (۵) گاه گاهی عمر عزیز بر مطالعه کتب عجایب اخبار و نسخ غرایب آثار مصروف میداشت و گاهی که در مجالس اکابر و اشراف از این حکایت روایت می کرد بشف استعسان مشرف گشته و تحسین اقران مییافت . چون به تعاضد (۶) جنود الهی و توافق سعود نامتناهی مسند خلافت موروثی ولایت بلخ ، بشف جلوس عالی حضرت کیوان رفعت سیر شوکت رباعی ،

آن پادشاهی که خسرو ایرانست فرمانده عصر داور دورانست

(۱) فهرست کتب خطی دانشگاه تاشکند از سیمینوف ص ۶۵ ، ۶۶ (۲) ادبیات فارسی از ستوری ج ۲ ص ۱۲۲۳ . (۳) مجمع الغرایب خطی ص ۷۸ . (۴) مجمع ص ۲۱۰ . (۵) در اصل ، بی بضاعت . (۶) در اصل ، تعاضد .

دارای زمانه شهر یارمادل (۱) شاهنشاه بلخ پیر محمد خانست

خداشاه ملکه و سلطان زب و زینت دیده چون این کتبه را فی الجمله اعلامی بر احوال بدایع و اصناف بنی آدم شده بود لایق و مناسب چنان نمود . که از برای بزم روح افزای از آنچه در کتب معتبره دیده ، بروایات چیده و عبارات سنجیده رقم نماید باینطور مفتی کتاب خود را بحضور پیرمحمد خان تقدیم میدارد ، و آنرا بر ۱۵۰ باب بنامی نهاد . ۱- از عجایب افلاک . ۲- معجزات انبیا و فضایل خلفاء . ۳- بلاد و امصار عجیبه . ۴- عجایب آدمیان . ۵- عجایب حیوانات نباتات . ۶- عجایب ابعاد . ۷- جبال و عیون . ۸- صحاری و براری . ۹- کنایس و مقابیر . ۱۰- مسافات بعضی بلاد مشهوره . ۱۱- طول و عرض بعضی بحار و خلیج . ۱۲- ذکر قامت آدمیان . ۱۳- لطایف شوخ طبعان شیرین کلام و تیز فهمان نظم انتظام . ۱۴- بعضی از تواریخ و وقایع از نبوت آدم الی یومنا هذا .

از فهرست مطالب فوق پیداست که کتاب دارای اباحت دلچسبی بوده ، ولی درینا که نسخه مانحن فیه در آخر ناقص است و بیش از ۱۰۰ باب ندارد ، و ۵۰ باب اخیر آن ضایع گشته . بهر صورت از کتبی که مؤلف بدان حواله دهد ، پیداست که برخی از مطالب موقوف کار آمدی را در آن فراهم آورده ، و واکنش کتب مأخذ و مدارک مؤلف در نهایت تفت و اعتبار است مثلا جهان نامه (۲) تحفة الغریب (۳)

(۱) دراصل ، مادام (۲) استاد بازنولد خاورشناس دانشمند روسی بر کتاب حدود العالم مقدمه ای نوشته و در آن گوید ، که از حدود ۱۸۹۰ سر لشکر خاورشناس روسی تومانسکی در ماوراءالنهر به تلاش و جستجوی کتاب اولوس اربعه تالیف الخ بیگ بود ، تا که روزی بسال ۱۸۹۳ یکی از دوستان ایرانی خود میرزا ابوالفضل را در بخارا دید ، و وی چهار کتاب را در یک وقایه به تومانسکی بفرز نشر اهداء کرد ، درین وقایه یکی کتاب معروف حدود العالم بود ، که اینک بارها نشر و هم در انگلیسی از طرف استاد مینارسکی ترجمه و تحشیه و طبع شده (چاپ دانشگاه اکسفورد ۱۹۳۷) و یکی از آثار گرانهای زبان فارسی است . کتاب دیگری که درین وقایه بود ، عبارتست از جغرافیای جهان نامه تالیف محمد ابن نجیب بکران بقلم عبادالله مسعود ابن محمد مسعود الکرمانی ۲۸ رمضان ۵۶۶۳ هـ (۱۴ جولائی ۱۲۶۳) که تاکنون طبع و نشر نشده ، ولی از یک اقتباسیکه استاد مینارسکی در شرح حدود العالم (ص ۳۴۸ انگلیسی) از این کتاب در باره خلج و خلج کرده پدید می آید ، که جهان نامه کتابی مهم و معتبر و موقوف است که باید فضیلتی فارسی زبان به نشر آن همت گمارند . بنام جهان نامه دو کتاب دیگر را نیز می شناسیم ، یکی جهان نامه یا تاریخ عبدالله خان تالیف ملاشفتی بخاری متولد ۹۳۰ و متوفی ۹۹۶ هـ در بخارا است که نسخ آن در بودلیان و کلکته و تاشکند موجود است . دیگر جهان نامه فغانی است در تاریخ هند که در عصر او رنگریب (حدود ۱۰۹۹ هـ) از طرف فغانی مرید شیخ لقمان بن شیخ عثمان خلیل سلیمانی تالیف شده و ربو از آن ذکر می دارد (رک ، ادبیات فارسی ستوری ص ۳۷۴ ۱۱۸۶۰ طبع لوزان لندن ۱۹۵۳) .

(۳) باین نام کتابی در کتب خانهای بانک یور و بودلیان و بوهار موجود است ، که مؤلف آن را باختلاف نسخ ، سبزواری یا الصدری یا سرفرازی و غیره دانسته اند بر موضوع علوم قرآنی که سال تالیف آن نامعلوم است این کتاب بسال ۱۲۹۹ ق بنام محمد بن شیخ محمد بن سبید الهروی طبع شده است . (ستوری ۱۲۲۷)

تکملة اللطایف (۱) ، جامع التواریخ (۲) ، زین القمص ، نظام التواریخ ، فواید فیروزشاهی ، صفوة الصفا ، صور الاقالیم (۳) ، عجایب الدنيا ، مسالك ممالك ابو القاسم عبدالله خراسانی (۴) ، مقصد الاقبال ربیع الابرار (۵) ، عجایب البحر ، خزانه الفتوی ، اسرار المتقدمین ، تاریخ مصر ، مفاخر العرب ، آثار البلاد ، تاریخ مغرب ، سیره الملوك ، جوامع الحكایات ، عجایب العالم ، عجایب البلدان مولانا عبدالعلی ، كشف الاسرار ثعالبی ، زبدة التواریخ ، آثار الباقیه ، كتاب فارسی ، معجم البلدان ، روضة الاحباب ، روضة الصفا ، كتاب ابو اسحاق ، طالقانی ، نزهة القلوب ، عجایب المخلوقات ، تفسیر زاد المسیر ، تفسیر مواهب ، که برخی ازین کتب اکنون معروف بوده و در دست است و برخی ناپدید گشته ، ولی اقتباسات آن که در مجمع الغرایب حفظ گردیده ، در نظر ارباب جستجو و کاوش یقیناً بهائی خواهد داشت . اکنون برخی از مطالب خواندنی آنرا درباره بلخ می آوریم :

ولایت بلخ و مزار علوی و نوبهار

بمداز سال ۸۸۰ هـ در هرات و خراسان شهرت یافت که مزار مبارک علی علیه السلام در خواجه خیران بلخ است ، شاهان تیموریه هرات که باصفویه رقابتی داشتند ، غالباً برای جلب نظر شیعیان حضرت علی ، این افسانه را شاخ و برگ دادند ، و بران مزار مبهم و نامعلوم بناهای رفیعی افراشتند . از آنوقت برخی از کتب را نیز نوشتند ، و افسانهائی را پرداختند ، که گویا مزار و مرقد آنحضرت در خواجه خیران بلخ است ، و این موضوع آنقدر اهمیت یافت ، که ام البلاد بلخ رفته رفته متروک گردید ، و روستای کوچک خواجه خیران حدود ۹۰۰ هـ اینک بیرکت این شایعه ، شهر بزرگ مزار شریف شده که مرکز ایالت شمالی افغانستان بشمار می آید .

اینکه مرقد حضرت علی در بلخ باشد ، از روی اسناد موثوق قدیم ابداً و اصلاً بثبوت نمی رسد ولی بردیوار کتبه دوم مزار مذکور قصیده معمولی را که از نظر ادب نیز خیلی سست و موهون است و قطعاً با کلام پخته و سبک متین مولانا جامی شباهتی ندارد بنام آن شاعر دانشمند نامی انتساب داده و نوشته اند به مطلع ذیل ،

(۱) باین نام کتابی در دست قاضی القضاة منهاج سراج جوزجانی هنگام نوشتن طبقات ناصری (۶۵۵-۶۵۸ هـ) موجود بود ، که نام مؤلف آنرا تصریح نمی کند ، ولی شاید همان کتاب تکملة اللطایف و نزهة الظرایف ابو محمد عبدالعزیز عثمان الجسری باشد تألیف او اواسط قرن ۷ هجری که قصص الانبیاء احمد بن محمد بن منصور بران کتاب بنیافته است . (۲) کتاب معروف و مفید رشیدالدین فضل الله است . (۳) صور الاقالیم تألیف ابوزید احمد بن سهل بلخی متوفی ۱۹ ذیقعد ۴۲۲ هـ است که این کتاب را در ۳۰۹ هـ نوشته ، و اصطخری آنرا در ۳۴۰ هـ بنام مسالك الممالك تهذیب کرده است ، ازین حواله پدید می آید که صور الاقالیم تا حدود (۹۷۰ هـ) موجود بود . (۴) نمیدانم که این کدام کتابست ، در کتب مسالك ممالك چنین مؤلفی را نمی شناسیم ، ولی با احتمال قریب باید همان مسالك ممالك ابو عبدالله محمد بن احمد بن نصر جیهانی معروف وزیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۲ هـ) باشد ، که مقدسی آنرا در هفت جلد بکتابخانه عضدالدوله در خراسان دیده بود ، اگرچه در کتب قدیمه مانند الفهرست و یاقوت کتبه ابو القاسم بنام جیهانی نیامده ، ولی زکریای قزوینی متوفی ۶۸۲ هـ نیز در آثار البلاد کتبه ابو القاسم را بنام جیهانی اضافه میکند . اما نسبت خراسانی بجای جیهانی که از عصر آل سامان مروج بود ، مورد دقت است . (۵) کتابیست از زنجیری معروف .

چو شد قندیل زرگردان براج قلمه مینا
سه بیت اخیر قصیده بمجمله چنین است :

دیار قبه الاسلام بلخ امروز در معنی
درون خلوت اودوش بودم معتکف «جامی»
پرو برهان مجو دیگر ، گواهی نه ازین بهتر
اما آنچه خود مولانا نورالدین جامی گفته ، رباعی بلیغ و فصیح ذیل است که بودن مرقد آن
حضرت را در نجف اشرف ضمناً و اشارتاً تأیید مینماید :

گویند که مرقد (۱) علی در نجف است
جامی نه عدن گوی و نه بین الجبلین

در بلخ بیابین چه دارالشرف (۲) است
خورشید یکی و نور او هر طرف است

آقای حافظ نور محمدخان افغانی در این اواخر کتابی را بنام (تاریخ مزار شریف واقع بلخ)
در کابل طبع کرده (۱۳۲۵ ش) و تمام روایات راجعه را درباره مزار شریف شاه مردان در بلخ در
آن کتاب فراهم آورده ، که یکی از آن را نمیتوان بر اساس مثبت تاریخ ، دارای وثوق و اعتبار کلی
دانست . تمام کتبی که در آن باره یافته اند آثار است که و ناقتی ندارد ، و بعد از قرن دهم هجری
نوشته اند ، از قبیل بحر الاسرار امیر محمود ابن ملاولی بلخی (تألیف بین ۱۰۴۰ - ۱۰۴۵) بنام
ندر محمدخان ، و تذکره هفتاد مشایخ بلخ از محمد صالح بدوانی تألیف ۱۰۰۳ هـ بنام عبدالؤمن
خان ، و تاریخ اکابران دین که نام آنها هم غلط است تألیف عصر امیر نصرالله بخارا ۱۲۴۰ ق ، و
حجة الیضاء از محمد مرید معی الدین پشاور (طبع بمبئی ۱۳۱۹ ق) و عمدة المقامات تألیف حاجی
فضل الله (طبع لاهور) و عجایب الطبقات تألیف محمد طاهر ولد ابی قاسم عصر ندر محمدخان ۱۰۵۹ هـ
و مناقب المحبوبین نجم الدین چشتی (طبع لاهور) و سفینه الاولیاء داراشکوه (طبع نولکشور
۱۸۸۴) و تاریخ مقیم خانی از محمد یوسف منشی (۱۱۱۴ تا ۱۱۱۹ هـ) و کتاب محمد مؤمن بن
عوض باقی بلخی (حدود ۱۱۱۸ هـ) و مفتاح التواریخ تاسم ولیم بیل مؤلف متأخر انگلیس ، اما
لوحه خشت سرخ که میگویند آنرا زیر زمین در داخل مرقد آنحضرت یافته اند ، نیز دارای اعتبار
و قدمت تاریخی نیست و از وجنات و خط آن آثار جعل و حدت هویدا است که بران این عبارت منقور
است ، (هذا ولی الله علی اسدالله) .

بهر صورت من تاجائیکه توانستم و جستجو کردم در کتب موثوق قدیمه و تواریخ و مسالك
ممالك و اخبار باستانی درین باره چیزی نیافتم ، که قبل از ۹۰۰ هـ باشد و آثار معمول مابعدی را وقتی
و وقتی نیست . بسال ۱۳۲۰ ش هنگامیکه خاورشناس معروف فرانسه ماسنیون در کابل بود از ورسیدم
که ، آیا درین باره در کتاب قدیمتری خبری را دیده ، یا شنیده است ؟ دانشمند موصوف گفت ،
در کتاب الرحلة الهرویه ابوسعید الهروی قرن ۳ هجری که نسخه آن در قاهره است ذکری از
بودن مزار آنحضرت در بلخ میروید ، ولی این کتاب را متأسفانه من ندیده ام ، و اگر این روایت
خاورشناس مبنی بر حقیقت باشد ، پس این کتاب ، اقدم کتب اندرین باره خواهد بود ، و باید دید که
ابوسعید هروی در کدام عصر و کجا میزیسته و روایت مذکور را بر چه انهج و کدام نسق نقل کرده
و آیا وقت تاریخی دارد یا نه ؟

اما کتاب دومیکه فی الجمله از کتب ناموثوق بعد قرن دهم قدیمتر و موثوق تر بنظر می آید

(۱) بروایت دیگر ، گویند که مرتضی علوی در . (۲) بصورت دیگر ، بیت الشرف .

و ذکر ازمزار علوی در بلخ دارد ، همین کتاب مانع‌فیه‌است که بنای آستانه علویه‌را در بلخ بتاریخ (۵۶۸۶) میگوید ، و اگر بدین روایت واحد فریب اهمیت دهیم ، از سایر کتب ناموثوقی که در کتاب آقای حافظ نور محمد اشاره رفته ، اقدم و اوثق خواهد بود .

دومین چیزیکه مؤلف مجمع‌الغرائب در بیان بلخ آورده و در کتب دیگر بنظر نمی‌رسد ، جای وقوع معبد معروف تاریخی نوبهار بلخ (نووهارا درسنسکریت) است که بلاشبهت پرستشگاه قدیم زردشتیان اهورا مزدا پرست بوده ، ولی مقارن ظهور اسلام ، بتکده بودائیان بود (۱) و برمکیان سدانیت آنرا داشتند . چون در بلخ تا کنون حفاریات و کنجکاویهای اساسی علمی بعمل نیامده ، ممکن است این تذکار مختصر مفتی بلخی در پیدا کردن آثار باقیه معبد نوبهار بدرود دانشمندان حفاریات تاریخی بخورد . اینک عین متن کتاب مجمع‌الغرائب را درباره بلخ می‌آوریم :

« ولایت بلخ ، از اقلیم چهارم است و شهر قدیم است و بنای دوریم‌است که قابیل (۲) ابن آدم بنا فرموده ، و بروایتی گشتاسب بنا فرموده بود ، بواسطه آنکه ایوب علیه‌السلام (۳) در زمان او مبعوث شد ، و ایوب علیه‌السلام گفت : که حق سبحانه ترا امر کرد که بلخ‌را بنا کنی ، گشتاسب از مرو آمده بود ، در مدت ده‌سال قلعه بلخ‌را تمام کرد ، و در تاریخ طبری آمده که بلخ بیست نوبت ویران شده و عمارت یافته ، و این قلعه که فی‌الحال (۳) مسکن مردم است مشهور است بقلعه هندوان (۵) که در زمان ابومسلم مروزی بنا شده . دیوار شمال نمانده بود تا آنکه (۶) در تاریخ هفتصد و شصت (۷) پنج سال بود که امیر حسین گورکان تجدید عمارت دیوار شمال نمود و مردم در قلعه قدیم نیز بودند ، چون در تاریخ هفتصد و هفتاد و یک بود ، که امیر تیمور گورکان مسخر ساخت امیر حسین را بقتل رسانید و قلعه قدیم‌را ویران نمود ، و مردم‌را از آنجا باین قلعه انتقال فرمود ، از جمله عمارات قدیم درو دو ستون پیداست ، از سنگ مرمر ، و درش یازده گز ، بلندی ستون چهل گز ، دیگر عمارات‌را بدین قیاس باید کرد و در شهر نهصد و چهل و پنج بود که کستن قرا سلطان اورنگ ، قلعه جدید محیط هندوان نمود ، بلخ بخوبی باد و هوا مشهور است و از خواجه یلاس پوش تا قریه شیخ مؤدت و چهار باغ گلشن که زیاده (۸) بریک فرسنگست شرقاً و غرباً ، و از خواجه سنگ لیس

(۱) مروج الذهب ج ۳ ص ۳۸ - کتاب البلدان ابن فقیه ص ۳۲۳ . معجم البلدان ج ۸ ص ۳۲۱ ، آثار البلاد و قزوینی ص ۲۲۱ . (۲) اصل : قابل . (۳) این افسانه که قابیل بلخ‌را بنا کرده و حتی قبر ایوب نبی نیز در آنجاست ، از زمانهای قدیم موجود بود ، چنانچه در کتاب فضایل بلخ تألیف شیخ الاسلام صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود واعظ در (۵۶۱۰) و ترجمه فارسی ۵۶۷۶ (طبع ملخص شفر ۱۸۸۳ پاریس) که نسخه خطی آن در کتب‌خانه ملی پاریس موجود است ، نیز همین روایات منقول و حتی قبر ایوب‌را بین دو تل بلخ تعیین میکنند ، و ایوب را معاصر گشتاسب میدانند . چون در روایات زردشتی حضرت زردشت معاصر گشتاسب بود ، و پیامبر مذکور در بلخ کشته شده پس لابد مزار وی نیز در آنجا خواهد بود ، بنابراین مطابقت زردشت قبل‌الاسلامی با ایوب روایات اسلامی بعید نیست . (۴) در اصل : فلحال . (۵) این نام هم دلالت دارد ، بر اینکه در اواخر عصر قبل‌الاسلام ، بلخ و نوبهار مرکز بودائی بوده و نام قلعه از آنوقت باقی‌مانده . (۶) اصل : مانده بود با آنکه . (۷) ابن امیر حسین گورکان همان پدر شیخ حسن بزرگ مؤسس سلسله آل جلایر نیست ، بلکه شخصی است که در حدود ۵۷۷۱ یکی از رقبای امیر تیمور بود (دول‌اسلامیه ص ۳۲۶) . (۸) اصل : که یازده بریک .

تأریه سنی شمالاً و جنوباً یک فرسنگ هم حوالی و منازل و دکا کین و بساتین (۱) و باغات بزینت آباد شد ، و در بیرون شهر چار جا نماز جمعه میگذازدند و مردم نشین است . و عمارت آستانه علیّه علویه در تاریخ ششصد و هشتاد و شش بنا یافته است ، و عمارت مزار فایض الانوار حضرت قطب الاقطاب خواجه ابونصر یارسای ولی ، باهتمام میر مزید ارغون در هشتصد و شصت و هفت بنا یافته است که گنبد عالی از آثار آن عمارتست (۲) و عمارت مدرسه که محیط مزار مذکور است به اهتمام حضرت هدایت آیاتی (۳) و ولایت انتسابی شیخ الاسلام عالی حضرت خداوندی مدظله اتمام یافته ، و بعد از آن بتوفیق هدایت ازلی و عنایت لم یزلی عالی حضرت خداوندی مذکور بر جنوب راه مذکور و غرب راه خیابان قریب بزار ، منزل متبرک بخت بخته مشتمل بر بیوت (۴) کثیره و حجرات کبیره و فواید هر روزه و املاک را بران مدرسه وقف نموده اند و فقه الله تعالی لافاضته الخیرات . و عمارت مدرسه ملک آغا در هشتصد و سی و دو بود که اتمام یافت و عمارت مسجد جامع درون شهر بتوجه شریف حضرت سلطان حسین میرزا در نهصد از هجرت بود که اتمام یافت و چهل هزار دینار کیکی که در وقت نزول سلطان حسین میرزای مذکور بولایت بلخ ، مردم این ولایت برسم پیشکش آورده بودند ، سی هزار دینار ب مردم ولایت مذکور توجه نموده اند ، بهشتاد هزار دینار تمام شده است . و عمارت حمام سلطانی بهمت کسین فرا سلطان مذکور بنا نموده در تاریخ نهصد و سی و هفت از هجرت تمام شده که والد (۵) راقم این حروف « حمام طاهر بلخ » تاریخ اتمام آنرا یافته بودند ، و بنای آن روز جمعه دوازدهم شهر ذوالقعدة نهصد و سی و چهار بود ، که خشت آنرا با اشاره کسین قراسلطان ، والد راقم این حروف نهاده است ، و پنج هزار سنگ (۶) خرج آن شده است ، و سلطان مذکور حمام مذکور را بعد از یکسال (به) مسجد ادا نمود . و از جمله عجایب دنیا در چیاخان بلخ آل برمک خانه ساخته بوده که صد گز در صد گز بوده است ، دو بیست گز بلندی آن (واز) اطراف عالم ، سلاطین و مردم دیگر بطواف آن خانه می آمدند ، و در زمان خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه آن خانه را ویران ساختند (۷) و جای چیاخان (۸) در قبله بلخ واقع است و از موضع مشهور ولایت بلخ است ، و نهر بلخ که از میان بازارچه (۹) بنزد میر سرخ میگردد ، در ظهور (۱۰) صد و شصت و هشت جاری شده است .

(از نسخه خطی مجمع الفرایب ص ۷۳ تا ۷۹)

باین نهج کتاب مانحن فیه در باره اکثر بلاد تاریخی ، مطالب دلچسپ خواندنی دارد ، که شاید در آینده بنظر جستجو کنندگان و منتبهان تاریخ و کنجکاوان محقق برسد .

-
- (۱) اصل : بساطین . (۲) بقایای این عمارت تاکنون باقی است . (۳) اصل ایایی .
 (۴) اصل : بر موت . (۵) اصل : ولد . (۶) در اصل خوب خوانده نمیشود ، سکه هم بنظر می آید . (۷) اصل : ساختن . (۸) کذا ولی در سطور سابق چیاخان است .
 (۹) این کلمه هم واضح خوانده نمیشود . (۱۰) کذا ، شاید در شهر باشد .